**٨٥ - حکم علم قیافه و کف بینی**

از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : و امّا استخراج اخلاق و قوی و حواسّ از ترکیبات تقسیمات دماغیّه که این فی الحقیقه از تفرّعات علم قیافه است یک نوع حکمی ملحوظ هر چند حکم قطع نه ولی احکام مختصری ملحوظ است یعنی میتوان یک نوع استدلالی نمود اما اگر جمیع علائم صفتی از صفات در جمیع شمائل و ترکیبات دماغیّه موجود باشد میتوان حکمی کرد و امّا مسألۀ علم کفّ چون جمیع اشیاء و کافّۀ کائنات که اعضای هیکل عظیم عالم وجود است کلّ با کلّ مرتبط است یعنی هر کائنی از کائنات عضوی از اعضاء یا جزئی از اجزاء آن هیکل عظیم است لهذا از هر جزء بسبب ارتباط ، اکتشاف حقائق سایر اجزاء توان نمود مثالش هیکل انسانی است یعنی عالم امکان را چون هیکل انسان تصوّر نما که جمیع اعضاء و اجزاء و ارکان و جوارح مرتبط است بعضی به بعضی ارتباط تامّ مثلاً از لون چهره اکتشاف حرارت کبد میشود و از حالات چشم امراض نهانی احشاء تشخیص داده میشود و از نبض عوارض سائر اعضاء پدیدار میگردد سبحان اللّه چه ارتباط عظیمی است لهذا نتوان استغراب نمود که از خطوط کف دلائلی مکشوف گردد که حقائق حال و استقبال معلوم شود .